



نقش مادر در تربیت دینی فرزند با بررسی فقهی

بس بی بی احمدی (نویسنده مسئول)*

فاطمه مرادی**

راضیه ناطقی***

چکیده

از دیدگاه اسلام، تشکیل خانواده و تربیت صحیح فرزند، جایگاه ویژه داشته و نردبان صعود شمرده شده است. تربیت فرزند به عنوان مهم‌ترین نقش والدین در خانواده، در آیات و روایات اسلامی مورد تأیید قرار گرفته است. موفقیت در تربیت دینی فرزند، به وجود عوامل مختلفی از جمله شیوه تربیت والدین بستگی دارد. در این میان، مادر به عنوان فردی تأثیرگذار نقش والایی در تربیت دینی فرزند دارد. این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل آیات و روایات مربوطه، با هدف بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزندان و آگاه‌سازی آنان در این امر خطیر تدوین شده است. بررسی فقهی نشان می‌دهد مادر در قبل و حین بارداری، زمان شیردهی و بعد از آن نقش مهمی در تربیت دینی فرزند دارد. انتخاب نام نیک، پذیرش فرزند و تغذیه مناسب وی، استفاده از فضاهای معنوی، محبت به فرزند و بازی با او از مهم‌ترین وظایف مادر در تربیت دینی فرزند است. در این مقاله هریک از این وظایف به صورت مختصر بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: تربیت، تربیت دینی، فرزند، نقش مادر، فقه.

* دانش‌پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان/

Basbibizahraahmadi۱۳۷۶@gmail.com

** دانش‌پژوه کارشناسی جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان/ Fatimahastimoradi۱۳۳۹@gmail.com

*** دانش‌پژوه دکتری فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان/ Raziye_Nateghi@miu.ac.ir



تربیت فرزند به عنوان مهم‌ترین نقش والدین در آیات و روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. در بیشتر نظریه‌ها رشد شخصیت مادر به عنوان فرد تأثیر گذار بر تربیت، تربیت دینی است که دارای زمینه‌ها و عوامل متعددی است و در این میان مادر در تربیت فرزند نقش والایی دارد.

اهمیت و ضرورت تربیت آدمی بر کسی پوشیده نیست. هیچ مکتب، مذهب و گروهی نیست که اهمیت و ضرورت تربیت انسان را انکار کند؛ اختلاف همه در اهداف و روش‌های تربیت است، زیرا یکی از ویژگی‌های آدمی تربیت‌پذیری است و انزال کتب و ارسال رسل برای تربیت و هدایت است. همه مکاتب، مذاهب و ممالک تربیتی آدمی دوران فرزندگی را به دلایل متعدد اهمیت ویژه می‌دهند. اسلام نیز تربیت در دوران کودکی را از جمله وظایف والدین و در شمار حقوق فرزندان می‌داند. معصومان علیهم‌السلام در روایات متعدد بر ضرورت و اهمیت تربیت در این دوران تأکید کرده‌اند. امام علی علیه‌السلام به امام حسن علیه‌السلام فرمود: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَعِلَ لُبُّكَ».

دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود می‌پذیرد، از این رو، من پیش از آنکه دلت سخت و فکرت مشغول شود به تأدیب و تربیت تو پرداختم.

شایان ذکر است هر چند در زمینه نقش مادر در تربیت دینی فرزند، کتابهایی مانند:

- نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، محمد احسانی؛

- مسئولیت تربیت (بررسی نقش زنان و مادران در تکامل کودک) محمد دشتی.

و مقالات متعددی مانند:

- نقش مادر در تربیت دینی فرزندان با تأکید بر مراحل پیش از تولد و پس از آن (هادی

مجیدی)؛

- نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزند (خدیجه اسکندری)؛

- مادر از نگاه اسلام و روانشناسی و تعیین مؤلفه‌های نقش مادری بر اساس متون دینی (همایون سراقی).

نگاشته شده و از منظر روانشناسی و آیات و روایات بررسی شده است، اما پژوهشی که به طور خا نقش مادر در تربیت دینی فرزند را هدف قرار دهد و از منظر فقهی به ارائه وظایف مادر بپردازد، انجام نشده است.

این تحقیق با هدف بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزندان به روش توصیفی، تحلیلی با تحلیل مراحل پیش از تولد و پس از تولد از منظر فقهی انجام شده است. سؤال اصلی این پژوهش این است: نقش مادر در تربیت دینی فرزند از نظر فقه چیست؟ اما قبل از پاسخ به این پرسش، لازم است مفاهیم اصلی پژوهش معنا شوند.

۱. مفهوم تربیت دینی

«تربیت» مصدر باب تفعیل و از دو ریشه «ری ب» و «رب و» است. (ابن فارس، ۱۴۰۲: ۲/ ۴۸۳) در ریشه «ربب» به معنای اصلاح و برعهده گرفتن کاری و همراه با آن، (همان/ ۳۸۲) حفظ و مراعات و سرپرستی (ابن مکرم، ۱۴۱۴: ۱/ ۴۰۱) و نیز ایجاد چیزی و تکاملبخشی تدریجی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۷) آن به کار می‌رود. تربیت در ریشه «ربو» به معنای زیادت، رشد و نمو و علو است. (ابن مکرم، همان: ۱۴/ ۳۰۴)

تربیت در اصطلاح در شش معنا به کار رفته (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۲۳-۱۴۱) که در تمام آنها تغییر تدریجی مدنظر است. به نظر می‌رسد تحوّل تدریجی در معنای لغوی و اصطلاحی تربیت، جزء جدایی‌ناپذیر آن بوده و می‌توان گفت عام‌ترین عنصر مفهوم تربیت، تغییر تدریجی است؛ از این رو، تربیت را می‌توان چنین تعریف کرد:



فرایند یاری‌رسانی به مترّبی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری او که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می‌باشد. (ر.ک: اعرافی، همان: ۱۴۱)

تربیت دینی عبارت است از: «رشد و تقویت عقاید دینی، حالات و عواطف مذهبی و تقید به مناسک و آداب دینی، برای تحقق شخصیتی دیندار». (باقری، ۱۳۸۰: ۷)

۲. اهمیت تربیت دینی فرزند

با توجه به اینکه هدف تعلیم و تربیت اسلامی، عبد شدن انسان است به طور طبیعی والدین و مربیان باید تا حد امکان با مبانی معرفتی، اعتقادات، باورها، احکام، اخلاق و آموزه‌های اسلامی آشنا باشند تا بتوانند اولاً خود با شناخت دین بتوانند به آن عمل کنند و ثانیاً توانایی‌هایی به دست آورند که بتوانند انسان‌هایی خدایی تربیت کنند.

شهید مطهری رحمته‌الله می‌فرمایند: «وقتی می‌خواهیم دین را عمل کنیم بدون آموختنش ممکن نیست پس باید دین را بیاموزید تا با آن عمل کنیم». (مطهری، ۱۳۷۶)

انمه اطهار علیهم‌السلام به عنوان بزرگ‌ترین مربیان عالم بشریت، تلاش ویژه‌ای برای تربیت و توجه دادن انسان‌ها به شناخت حضرت حق، ایمان به او و آشنایی با دین خدا به کار بسته‌اند. این بزرگواران همواره مسلمانان را به یادگیری معارف اسلامی فرا می‌خواندند که همین امر باعث شده است تا روایات بسیاری در ضرورت آشنایی مربیان با معارف اسلامی از آنان نقل شود که برای رعایت اختصار به ذکر روایت از امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام اکتفا می‌کنیم:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَ لَيْكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّيَّتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ. (نهج البلاغه، کلمات قصار ۷۳)

کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده است باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و بر تأدیب باطن خود به تأدیب زبان خود پیشی بگیرد و سزوار و شایسته است که تربیت کننده خود باشد تا معلم دیگران و مسئول تربیت آنها.

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

بانوان هم باید معلم باشند برای فرزندان خود، در دامن خود مثل استادان، مثل معلمان تربیت کنند... خانواده شما باید مدرسه باشد تعلیم احکام اسلام، تهذیب اخلاق نونهالان (۱۳۵۸/۲/۷)

مادران برای ایفای نقش به عنوان یکی از عوامل مهم موثر بر فرایند تربیت دینی فرزندان نیازمند انواع ویژه‌ای از شناخت‌ها هستند که یکی از مهم‌ترین آنها شناخت نسبت به معارف اسلامی است. بعضی اوقات مادران این آگاهی‌ها را از طریق تحصیل در رشته‌های دانشگاهی کسب می‌کنند و گاهی هم از طریق حضور در کلاس‌های رسمی آموزش معارف اسلامی که در مساجد و مراکز دینی و فرهنگی تشکیل می‌شود، اما صرف نظر از محل ارائه این آموزش‌ها مهم این است که مادران آگاهی‌های کافی درباره مسائل دینی داشته باشند تا بتوانند نقش موثری در تربیت اسلامی فرزندان‌شان ایفا کنند.

از آنجا که در وضعیت موجود و نظام آموزشی کشور بخش بسیار محدودی از معارف اسلامی در دوره متوسطه آموزش عالی ارائه می‌شود به نظر می‌رسد این حجم از مطالب کفایت لازم را برای زنان ندارد که در فرایند تربیت فرزندان دخالت دارند. نهادها و مراکز دینی کشور نظیر مساجد، مراکز بسیج، فرهنگسراها و... با درک این مسئله به برگزاری کلاس‌های آموزش معارف اسلامی برای عموم علاقه‌مندان اقدام می‌کنند.

زنان به عنوان مهم‌ترین عامل موثر بر تعلیم و تربیت فرزندان عموماً تحصیل کرده حوزه معارف اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی نیستند (و به عبارتی معلمی حرفه آنان نیست) به



نظر می‌رسد با توجه به فرصت‌های فراغتی خود می‌توانند در بعضی از مهم‌ترین کلاس‌ها برای آموزش معارف اسلامی شرکت کنند. (بختیاری، ۱۳۹۰: ۷۰-۵۷)

۳. جایگاه مادر در تربیت دینی فرزند

از ابتدای خلقت بشر، مادر و نقش او مورد توجه بوده است. در تاریخ اسلام معصومان علیهم‌السلام اولین افرادی بوده‌اند که دقیق و موشکافانه به اهمیت جایگاه و نقش مادر پرداخته‌اند. از آنجا که نخستین رابطه مستقیم فرزند، با مادر است همچنین نیازهای فرزند را تامین می‌کند، به خواسته‌های او پاسخ می‌دهد و فرزند از عواطف، احساسات و نگرش‌های مادر بیشترین تأثیر پذیری را دارد. بنابراین، وظیفه مادر در برابر فرزند، بیش‌تر و سنگین‌تر از دیگران است. دامن مادر می‌تواند فرزند را برای پذیرش حق و دعوت انبیا و اولیای الهی آماده کرده، زمینه سلامت روانی او را فراهم کند. مادر برای موفقیت در ایفای نقش خود برای تربیت بهتر و شکوفایی استعدادهاى فرزندان، باید از اصول تربیتی آگاه باشد. از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، ایمان، دینداری، تقوا، توفیق الهی و پاک بودن از رذایل و محرمات، از ویژگیهای یک مادر شایسته است. (عرب زینلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۱۸)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایتی می‌فرماید:

بدانید همه شما حافظ مصالح هستید و همه شما در برابر کسانی که حافظ مصالح آنان هستید، مسئولید. زن نیز حافظ مصالح خانواده شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنان مسئول است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۴/۲۹۴)

در این روایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صراحت زنان را حافظ مصالح خانواده شوهر و فرزندان دانسته که یکی از آنها اهتمام به تربیت دینی آنان است. (داوری، ۱۳۸۳، ۲/۲۷۱)

هیچ فردی به اندازه مادر نمی‌تواند ویژگی‌های نیک را در وجود فرزند پدید آورد؛ زیرا کودک بیشتر از هرکسی از مادر اثر می‌پذیرد. گذشته از گفتار، رفتار مادر نیز برای فرزند آموزنده و اثربخش است. (احسانی، ۱۳۸۷: ۷۸-۷۹)

مادر، در سال‌های اولیه زندگی فرزند، بیش‌ترین وقت او را در اختیار و تعامل بیشتری با وی دارد؛ همچنین رابطه مادر با کودک، رابطه رهبر با رهرو است، ازاین رو مادر باید بیش از هر کس دیگر مراقب رفتار و گفتار خویش باشد. بنابراین می‌توان نقش مادر را در تربیت دینی فرزند، در سه حیطه پیش از ازدواج، پیش از تولد فرزند و بعد از تولد، بررسی کرد.

مرحله پیش از ازدواج، همان انتخاب صحیح همسر بر اساس معیارهای دینی است و پیش از تولد شامل وظایفی همچون توجه مادر به بهداشت جسمانی و روانی خود و جنین و مراقبت‌های معنوی و عبادی مادر در دوران بارداری می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۵، ۵/۵۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۹/۵)

زنی که مادری، فرزندآوری و فرزندپروری، بخشی از طرح واره درونی او و «من کیستم» او شده باشد، در همان مسیر حرکت و عمل خواهد کرد، ولی اگر نقش و جایگاه مادری را درونی نکرده باشد، ممکن است آن را کار حقیر و یا مانع پیشرفت بداند. (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵)

مادرشایسته به نقش خویش ایمان دارد و آن را حق و وظیفه و مایه افتخار می‌داند.

آری نقش والدین در تربیت فرزند عموماً و به ویژه مادر جای انکار و چون و چرا ندارد. در این میان آموزه‌های اسلامی در نقش مادر نسبت به تربیت کودک توصیه‌های ارائه نموده اند.

مادر شدن، پذیرش مسئولیتی مهم و با عظمت است. مادری فضیلتی عالی و باشکوه است که از عالم قدس در وجود زنان لایق تجلی می‌کند. بر اساس تعالیم دینی، گرامیداشت مقام مادران مایه ورود به بهشت است. همچنین شیوه مادر در تربیت فرزند وارسته اهل بهشت، نقش مهمی دارد. از رسول اکرم ﷺ در این باره نقل است: «الْحَنَّةُ تَحْتَ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران است». (طبرسی، ۱۳۶۵: ۱۵/۱۸۰)



همچنین از ایشان روایت شده است که: «إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنَّ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَإِنْ دَعَتْكَ وَالِدَتُكَ فَاقْطَعْهَا». (نوری، ۱۳۹۴: ۱۵/۱۸)

هنگام نماز مستحبی، اگر پدرت تو را خواند، نماز را قطع نکن و اگر مادرت تو را خواند، نماز را قطع نما.

خدای سبحان وقتی از احترام به والدین سخن می‌گوید، برای گرامی داشتن مقام زن، مادر را جداگانه نام می‌برد. برای مثال می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا». (اسرا: ۲۳)

و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اُف مگوی و بر آنان [بانگ مزین و] پرخاش مکن، و به آنان سخنی نرم و شایسته [و بزرگوارانه] بگو.

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا (احقاف: ۱۵) به آنان وصیت کردیم که به والدیتان احسان کنید».

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ (لقمان: ۱۴) (توصیه کردم به او) برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آورد...».

اما با همه این تحلیل‌های مشترک، هنگام یاد از زحمات پدر و مادر، فقط از زحمت مادر سخن می‌گوید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد، و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است.

بنابراین، آیات قرآن در قدردانی از والدین، دو قسم است: آیات مشترک قدردانی از پدر و مادر و آیات ویژه مادر.

قرآن کریم، اگر درباره پدر حکم خاصی بیان می‌کند، فقط برای بیان وظیفه است. نظیر: «وَ عَلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۳) و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر] لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیردادن بپردازد) و...».

مادر مسئولیت‌های پرورشی ویژه‌ای به عهده دارد که مرد از آن محروم است. خدای سبحان دست کم، وظایف و راهنمایی‌هایی به مدت سی ماه برای مادر مقرر فرموده است که این سی ماه، حداقل دوران حمل (شش ماه) و حداکثر آن (نه ماه) و دوران دو سال شیرخوارگی کودک است.

«وَ الْوَالِدَاتُ یَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کَامِلَیْنِ». (بقره: ۲۳۳)

مادران، فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند».

چون اندیشه‌های مادر در کودک اثر می‌گذارد، باید بینش‌های خود را تعالی بخشد؛ پس وظیفه مادر فقط این نیست که با وضو و نام خدا نوزاد را شیر دهد. این‌ها عبادت‌های مطلوب ظاهری است، ولی دین از مادر می‌خواهد که مواظب اندیشه‌های خود نیز باشد. بنابراین، مسئولیت زن در این سی ماه به مراتب بیشتر از مرد است و هر که مسئولیتش بیشتر باشد، در صورت عمل به آن، توجهش به خدا بیشتر و در نتیجه موفق‌تر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴:

(۱)

قرآن بیشترین ستایش را از زنان در نقش مادری داشته و در تقسیم وظایف میان زن و شوهر کار تربیت فرزندان را به مادران سپرده است. رهیافت به این وظیفه سپاری از سوی قرآن از دو راه میسر است. دستورات صریح قرآن در واگذاری تربیت فرزندان به مادر و ارائه الگوهای موفق مادران مربی که در این میسر به دو نمونه از مادران الگوی قرآنی اشاره شده است: مادر



مریم و مادر عیسی(ع). راز ستایش قرآن از مادران، نقش عمده و سرنوشت‌ساز آنان در تربیت فرزندان و نسل آینده اجتماع است.

۴. وظایف مادر در تربیت دینی فرزند

مادر در خانواده وظایف و تکالیفی دارد که فقط او شایسته انجام آن وظایف است که در صورت نبود مادر در خانه این وظایف و تکالیف ناقص مانده و موجب بحران در کانون خانواده می شود که در اینجا از منظر فقهی به چند نمونه اشاره می شود.

۴. ۱. پذیرش فرزند

از حقوق فرزندان این است که بدون توجه به جنسیتش وی را بپذیرند و از او استقبال کنند.

امام سجاد هنگامی که صاحب فرزندی می شد، پیش از آنکه از دیگر ویژگی های طفل بپرسد، می پرسید که آیا کودک سالم است؟ و آن گاه می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي خَلْقًا مُشَوَّهًا؛ (وسائل الشیعه، ۲۱/ ۴۱۲) سپاس خداوندی است که از من نسلی گرفتار و ناقص نیافرید».

«وَبُشِّرِ النَّبِيَّ بِابْنَةٍ فَنَظَرَ فِي وُجُوهِ أَصْحَابِهِ فَرَأَى الْكَرَاهَةَ فِيهِمْ فَقَالَ مَا لَكُمْ رِيحَانَةٌ أَشْمَهَا وَ رَزُقُهَا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ كَانَ أَبَا بَنَاتٍ»؛ (شیخ صدوق، ۱۳۸۷: ۳/ ۴۸۱)

...دختر چون گلی خوشبوست که آن را می بویم و روزی او با خداست.

طفل شاهکار خلقت خداوند است، امانتی از سوی خدا در دست والدین است که والدین و به ویژه مادر در قبال حفظ این امانت مسئولیت دارد. باید او را پذیرفت و مورد احترام قرار داد و کسی حق ندارد با نظر بی اعتنایی به او بنگرد و یا به او اهانتش کند. طفل را همان گونه که هست قبول کنیم نه آن گونه که باید باشد؛ یعنی زیبایی یا زشتی، نقص یا کمال کودک نمی تواند موجب پذیرش یا طرد او گردد، قبول این امانت وظیفه است و والدین در قبال آن

مسئول هستند. بی توجهی به کودک، لطمه‌های زیادی به روح و روان طفل می زند. کودک در حال مقایسه خود با دیگران، حالت‌ها و رفتارهای اطرافیان را در می یابد، ولی بازگو نمی کند و هنگامی که با همسالان خود همنشین می شود، ابراز ناراحتی می کند. پذیرش کودک، احساس تعلق را در روح و جان او قوی می سازد و او را به خانواده و زندگی دلگرم می سازد. پذیرش کامل طفل در رشد تکلم، در تأمین بهداشت روانی و سلامتی او تأثیر مهمی دارد. (برجی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۱۹۲)

۲.۴. تغذیه مناسب

خوردن شیر برای نوزاد لذتبخش است و طفل اولین تجربه زندگی خود را از آن راه به دست می آورد و جهان و پدیده‌های آن را از راه مادر یعنی، کسی که به او شیر می دهد، می شناسد. کودک در دو سال اولیه زندگی از شیر مادر تغذیه می کند و از او جدا نیست، این ارتباط به حدی است که می توان گفت دو جسم در یک روح اند.

بر این اساس، شیردادن به کودک، فقط عمل تغذیه نیست، بلکه تبادل عاطفی و تقویت روحی است. کودک به هنگام شیرخوردن از مادر، صدای قلب او را می شنود و آرامش نسبی پیدا می کند و کودکانی که از شیر مادر محروم اند این آرامش را ندارند.

شیردادن مادر موجب اکتای روانی طفل می شود و کودکانی که با شیر مادر تغذیه می کنند کمتر دچار ناراحتی روانی می شوند و حتی از نظر جسمی سالم تر هستند. به عقیده روانشناسان، شیر مادر کودکان را شاد و خرسند نگاه می دارد و حتی از نظر اخلاقی هم در کودک اثر مثبت دارد. تغذیه از مادر، کودک را به مادر نزدیک تر می کند و طفل از این نزدیکی، احساس رضایت دارد و روحیه اش شاداب تر است.

شیر مادر، کامل ترین غذایی است که می تواند بیشترین تأثیر را در شادزیستی، تحول شناختی، هوشمندی، رشد عاطفی و اجتماعی و آرامش روانی کودکان داشته باشد. شیر مادر، از مهم ترین عوامل نجات بخش حیات است و هیچ غذای جانشینی، نمی تواند معادل





آن باشد. در این باره پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «قَالَ: لَيْسَ لِلصَّبِيِّ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛ هَيْجِ شِيرِي بِرَأْيِ كَوْدِكُ بَهْتَرُ مِنْ شِيرِ مَادِرِ نَيْسَتْ». (وسائل الشيعه: ۴۱۲/۲۱)

شیر مادر، بیشتر از هر غذای دیگری با ساختار جسمانی و رشد هماهنگ کودک، تناسب دارد و نیز به علت وجود آب کافی در شیر مادر، تشنگی نوزاد برطرف می‌شود و اشتهاى او تحریک می‌گردد. کودکانی که به طور کامل از شیر مادر تغذیه می‌شوند، قدرت تکلم بهتری نسبت به همسالان خود دارند. (محمودی الیگودرزی، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

تأثیر شیر مادر بر نوزاد به قدری است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَنْظُرُوا مَنْ يَرْضَعُ أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ الْوَالِدَ يَشْبُ عَلَيْهِ». (کلینی رازی، ۱۳۶۷: ۹۳/۲)

باید بنگرید چه کسی فرزند شما را شیر می‌دهد، زیرا فرزند تحت تأثیر شیر او پرورش می‌یابد و رشد می‌کند، بنابراین شیر مادر بسیار اهمیت دارد و نقش آن در سرنوشت آینده فرزند، بسیار زیاد است.

۳.۴. مادر و تنبیه فرزند

ابزار تربیت فقط تنبیه نیست، بدون آن هم می‌توان کودک را تربیت کرد، ولی کمتر کسی موفق به انجام این کار می‌شود. اغلب شیوه‌های جدید تربیتی، تنبیه را منع کرده، مدعی شده‌اند که بدون آن می‌توان موفق به تربیت فرزندان و اصلاح کجروی‌های آنان شد.

مادر نباید در تربیت فرزند تسامح روا دارد و یا تجاهر کند. عطف و رقت قلب تا جایی که به رفتار و شخصیت کودک آسیب نرساند مناسب است. از سوی دیگر تنبیه، نمی‌تواند مانع صمیمیت مادر و کودک شود و دوستی و محبت بین آنها را از بین ببرد، ولی بهتر است که مادر تا جایی که مجبور نباشد، کودک را تنبیه نکند به ویژه تنبیه بدنی.

ظرافت و لطافت مادری، باعث می‌شود که او کمتر خشمگین و بیشتر عادی و مهربان باشد، زیرا خشم زیاد در تقلیل شیر مادر و در نتیجه تغییر وضع مزاجی کودک مؤثر است.

اگر مادر ناگریز به تنبیه است، باید آن را به حداقل کاهش دهد و نیز علت تنبیه را برای طفل بازگو کند.

تنبیه کردن به شیوه علمی و تربیتی، نقش سازنده و اصلاح کننده دارد. از این رو، لازم نیست که به صورت کتک زدن و یا ناسزاگویی باشد. گاهی سکوت، زمانی یک نگاه پرمعنی هم می تواند به معنی تنبیه باشد. تنبیه رابطه طفل و مادر را نامطلوب و زننده می کند و ارزش و اعتباری را که مادر در دل کودک دارد، متزلزل می سازد. طفل گاهی به علت تنبیه از مادر متنفر می شود و اعتمادش را به مادر از دست می دهد.

گاهی تنبیه، زمینه ایجاد یأس و نومیدی را در کودک فراهم می سازد، به ویژه اگر احساس کند در آن زمینه، مظلوم واقع شده و مادر در تنبیه او خطایی کرده است. در این حالت به همه بدبین می شود، حتی مادر را دشمن خود می پندارد و از او دوری می جوید.

با این حال، در برخی مواقع تنبیه کودک رواست، از جمله موردی که فرد دانسته و آگاهانه به انجام عملی پردازد و از عقوبت آن هم باخبر باشد یا وقتی که عمل کودک موجب لطمه شدید جسمی و روانی به دیگران شود و عملش به علت سهل انگاری نباشد. قبل از تنبیه، لازم است از عمل کودک انتقاد شود؛ انتقادی که او را متوجه عمل خود کند، در صورت تکرار پند و اندرز باید مطرح شود و در صورت تکرارهای بعدی و در صورتی که راهی برای اصلاح طفل یافته نشود، باید او را تنبیه کرد. هنگام تنبیه، نکات زیر باید رعایت شود:

بین نظم خانه و بیرون تفاوت بگذارید. مادر در عین کنترل فرزند، باید بداند که طفل رفتارهای غیر منتظره کودکان را تا حدودی باید تحمل کرد، خطای کودک را همیشه گناهی نابخشودنی تصور نکنید که مجبور به تنبیه باشید، کمی هم گذشت، صبر، حوصله و نادیده گرفتن خطاها باید باشد.

در تنبیه، ترساندن روا نیست، زیرا برای کودک مضر است. این امر به ویژه از حدود سه سالگی، باید با احتیاط بیشتر صورت گیرد.

در تنبیه، عمل بد کودک را نکوهش کنید، نه خود او را.



تنبيه با بدآموزی هایی چون فحش، ناسزاگویی و افراط، همراه نباشد؛ زیرا این کارها موجب دلسردی کودک می شود.

یا تنبيه نکنید یا سطحی و ظاهری نباشد، بلکه اساسی و عمیق باشد؛ یعنی اندیشیده و حساب شده باشد.

در انجام تنبيه، قدرت و ضعف کودک را در نظر بگیرید.

تنبيه متناسب با جرم باشد، برای خطای کوچک، تنبيه بزرگ روا ندارید.

تنبيه خوب است، ولی نباید افراط آمیز باشد، زیرا عدالت خواهی کودک را از بین می برد.

در تنبيه احساسات را دخالت ندهید و چشم و هم چشمی نکنید. توجه داشته باشید که

کودک به آزادی هم نیاز دارد. (برجی نژاد، ۱۳۸۹: ۲۰۲-۲۰۴)

۴.۴. استفاده از فضاهای معنوی

یکی از شیوه های پرورش حس دینی و مذهبی در فرزند، استفاده صحیح و به موقع از فضایی است که کودک، آمادگی زیادی برای دریافت تعالیم دینی و معرفتی دارد؛ مثلاً می توان برای شناساندن خدا و ایجاد محبت او در دل کودک، با بیانی ساده و در عین حال جذاب و شیرین، از راه شناساندن پدیده های جهان به کودک و زیبایی هایی که در عالم خلقت وجود دارد، خدا را به او معرفی کرد.

آن گاه که کودک در مواجهه با پرنده زیبا و یا گلی رنگارنگ و خوشبو، تمام وجودش غرق شادابی و سرور می شود و شادی های کودکانه اش فضا را پر می کند، مادر می تواند از این لحظات ناب برای معرفی خدای تعالی استفاده کند! خدایی که منبع تمام زیبایی ها، نیکی ها، قدرت ها، رحمت ها، محبت ها و سایر صفات کمال است. این اقدام مادر می تواند بیشترین موفقیت را برای تقویت توحید و خداپرستی در وجود کودک به دست آورد. برخی متخصصان علوم تربیتی معتقدند:

مادر تا قبل از هفت سالگی، دائم از مهر، محبت و لطف خدا برای کودک بگوید، از این رو نباید کودک را از کودکی از خدا ترساند؛ بلکه همواره باید از مهر لطف خدا به آفرینش نعمت هایی مانند آسمان، زمین، خورشید، ماه، میوه ها، سبزی ها، زیبایی ها، پدر و مادر مهربان و... برای او گفت. از حدود هفت سالگی کم کم باید خوف خدا را هم در دل او انداخت و ضرورت مجازات برای گناه را گوشزد کرد. به او بگوییم که خداوند برای خوبان مهر و عطا دارد و برای بدان، کیفر و عقوبت. (برجی نژاد، همان: ۱۵۶-۱۰۸)

همچنین برای آشنایی کودک با مسئله امامت و ولایت و ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در دل او و نیز آشنا کردن او با زندگی آن بزرگواران، ایام ولادت یا شهادت آن ها، بهترین زمان است، زیرا در این ایام با توجه به فراهم بودن فضای مناسب کودک بیش از هر زمان دیگر، آمادگی پذیرش این معارف و توجه بیشتر به ائمه علیهم السلام و ایجاد علاقه و ارتباط با آن پاکان را دارد. شرکت دادن کودکان در مجالسی که برای بزرگداشت مقام اهل بیت علیهم السلام برپا شده که بارزترین جلوه آن در ایام محرم هر سال تجلی می نماید؛ نیز می تواند روح او را از احساس و عواطف به آنان لبریز کند. همچنین هدیه دادن به فرزند به مناسبت اعیاد مذهبی باعث می شود در ذهن و روح کودک، شادی هدیه گرفتن با شادی تولد معصومین علیهم السلام قرین شود و بدین گونه تصویر زیبا و خاطره خوشایندی از ولادت آن بزرگواران در وجود او بر جای گذارد و محبت او را به آنان افزایش دهد و بدین گونه بذر محبت و ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را در وجود او قرار دهد. (جوکار، ۱۳۹۱)

۴.۵. محبت به کودک

بی شک یکی از اساسی ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی، همچون آب، غذا و... نیاز به محبت است؛ به گونه ای که اگر این نیاز انسان برآورده شود، کودک تا حد بسیاری در برابر نیازهای زیستی مقاومت کرده، آن را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. نیاز به محبت در



برخی حیوانات نیز مشاهده می‌شود؛ هر چند این نیاز در انسان شدیدتر و نیاز کودکان به آن افزون‌تر است. از آنجا که خانواده، نخستین سرپرست کودک است، لازم است والدین، به ویژه مادر، به این نیاز کودک توجه خاص داشته باشند و بداند پاسخگویی صحیح به این نیاز کودک، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد، زیرا ارضای این نیاز کودک، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین، و حتی سلامت جسمی او می‌شود. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱/۹۳-۹۲)

سیره عملی و احادیث پیشوایان معصوم نیز نشان‌دهنده توجه ویژه مکتب تربیتی اسلام به این اصل مهم است. سیره فاطمه زهرا^{علیها السلام} در برخورد با فرزندان، حاکی از اهمیت محبت به فرزندان است. حضرت فاطمه^{علیها السلام} با شعر خواندن برای امام حسن^{علیه السلام} به او مهر می‌ورزید:

وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ^{علیها السلام} تُرَقِّصُ ابْنَهَا حَسَنًا^{علیه السلام} وَ تَقُولُ:

أَشْبَهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ أَخْلَعَ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنَ
وَ اعْبُدِ إِلَهًا ذَا مَنِّ وَ لَا تُوَالِ ذَا الْإِحْنِ

(مجلسی، ۱۳۸۶: ۴۳/۲۸۶)

حسن! مانند پدرت باش، حق را صریح بیان کن و خدای مَنّان را عبادت کن و با کینه‌توز دوستی مکن.

محبت مادر سرنوشت طفل را معین می‌سازد، بر اساس بررسی‌های انجام شده، از مهم‌ترین عواملی که هنگام بیماری در درمان طفل مؤثر است، مهر و محبت مادری است. نوازش‌های مادرانه به کودک جرئت می‌دهد و روحیه او را در برخورد با مشکلات و مصائب و از جمله بیماری‌ها قوی می‌سازد و این خود یکی از عوامل تعجیل در بازیافتن سلامتی است. اگر این نیاز کودک ارضا نشود، مشکلات بسیاری پدید خواهد آورد.

مشکلات جسمی ناشی از کمبود محبت عبارت‌اند از: پریدگی رنگ، ازدست دادن شادابی طبیعی، تنفس نامنظم و حتی ناراحتی‌های معده‌ای و روده‌ای که منجر به اسهال و استفراغ در کودک می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ۱/۲۳۱)

از نظر روانی نیز اینکه کودک در آینده فردی صمیمی باشد یا نه، مهرورز باشد یا خشن، با دیگران در جوشش باشد و یا منزوی، بسته با ارتباط مادر با نوزاد دارد.

با محبت کردن به کودک، می‌توان از بسیاری از انحرافات جلوگیری کرد، زیرا کمبود محبت یکی از عوامل بسیار قوی برای سوق دادن اطفال و نوجوانان به سوی بزهکاری است. روانشناسان و متخصصان اطفال که چندین هزار نمونه از جرایم را بررسی کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که چون بعضی از کودکان در محیط خانواده مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی پدر و مادر خود قرار گرفته‌اند، در واکنش به این کمبود، شروع به سرقت یا آزار دیگران کرده‌اند. (شامبیاتی، ۱۳۷۲: ۱۹۶)

ابراز محبت مادر به شیوه‌های مختلفی انجام می‌پذیرد که بهترین آن‌ها در آغوش گرفتن، نوازش کردن و بوسیدن است، این امر مایه جلب محبت و اطمینان کودک از زندگی می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

«أَحْبِبُوا الصَّيِّبَانَ وَ إِزْحَمُوهُمْ... قَبِّلُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خَمْسُ مِائَةِ عَامٍ». (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۳)

«نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ». (نوری، همان: ۱۵/۱۷۰)

فرزندان خود را دوست بدارید و بر آن‌ها ترحم کنید... فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه درجه‌ای در بهشت به شما خواهند داد که فاصله هر درجه پانصد سال است.

نگاه محبت‌آمیز پدر به صورت فرزند عبادت است.

مهم‌ترین نکته در تربیت، ایجاد ارتباط بین مربی و متربی است و بهترین نوع رابطه، رابطه‌ای است که بر اساس محبت باشد، زیرا چنین رابطه‌ای، رابطه طبیعی است و رابطه بر اساس زور، خشونت و هر رابطه دیگری غیر طبیعی خواهد بود. خداوند نیز در قرآن سخن



خود را با محبت و ابراز آن آغاز کرده است. نخستین جمله از اولین سوره قرآن، ابراز محبت به بندگان است؛ «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ به نام خدایی که بخشنده و مهربان است».

همچنین خداوند بیش از چهل بار از محبت و بی‌محبتی خویش به بندگان یاد کرده است:

- «فَإِنَّ اللّٰهَ یَحِبُّ الْمُتَّقِیْنَ». (آل عمران: ۷۶)

- «إِنَّهٗ لَا یَحِبُّ الْكٰفِرِیْنَ». (روم: ۴۵)

همچنین خدای متعال، این حقیقت را به پیامبرش گوشزد می‌کند که توسل به خشونت در تربیت، بیراهه رفتن است و انسان از این راه، به سر منزل مقصود نخواهد رسید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِیظًا لَّانفَضُّوْا...». (آل عمران: ۱۵۹)

به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم و [مهربان] شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند....

بنابراین، زبان ارتباط با انسانها، به ویژه با کودکان، زبان محبت است و با خشونت یا حتی بی‌محبتی نمی‌توان کسی را تربیت کرد، زیرا برای تربیت پذیری، کودک باید به مادر اعتماد و از او حرف شنوی داشته باشد و این اعتماد و حرف‌شنوی با محبت ایجاد می‌شود.

امام علی علیه السلام در این باره در وصیت به فرزندش می‌فرماید: «و اعلم ای بنی ائمه من لانت کلمته و جبت محبته و طبعی ان نجد کل محبوب مسموع الکلام». (ادیب، ۱۳۶۲: ۲)

فرزندم، بدان کسی که سخنش نرم است، باید او را دوست داشت و طبعی است که کلام هر محبوبی گوش‌کردنی است.

البته ذکر این نکته لازم است که باید در محبت اعتدال داشت. چه بسا آثار منفی محبت بیش از حد به فرزند، بیشتر از آثار منفی کمبود محبت باشد. سلطه‌جویی و پرتوقعی کودک، ضعف روحی، زودرنجی و خودپسندی را می‌توان از آثار محبت بیش از حد به فرزند دانست.

۴.۶. بازی با فرزند

روانشناسان، دوره کودکی را دوره بازی کردن نامیده اند. کودک در سالهای نخست زندگی با اشیاء بازی می‌کند، سپس با انسان‌ها. از سنین ۳ یا ۴ سالگی کودک به تدریج به بازی‌های گروهی و اجتماعی روی می‌آورد. در اینگونه بازیها کودک رفتار خود با دیگران را تمرین می‌کند و با اصول زندگی جمعی و چگونگی رفتار با دیگران به تدریج آشنا می‌شود و این، به رشد اجتماعی و اخلاقی او کمک می‌کند.

اهمیت بازی در زندگی کودک آنچنان آشکار است که نیاز چندانی به استدلال ندارد، بازی نه فقط برای حرکت اندام‌های گوناگون بدن، پرورش عضلات و صرف انرژی اضافی، که عدم مصرف آن حساسیت و عصبانیت را در پی دارد، ضروری است، بلکه یاری‌دهنده کودک در شناخت محیط و تسلط بر آن است. بازی موقعیتهای مناسب را برای سنجش و توانایی‌های خود در اختیار کودک می‌گذارد و به وی می‌آموزد که چگونه میان واقعیت و تخیل تفاوت بگذارد.

کودک بدون بازی، به ویژه بازی با کودکان دیگر، خودخواه، خودبین و خودرأی می‌شود. بازی، شیوه همکاری با دیگران و رعایت حقوق آنان را به کودک می‌آموزد. کودک از راه بازی با کودکان دیگر، شیوه ایجاد روابط اجتماعی با دیگران و حل مسائل و مشکلات ناشی از آن را فرا می‌گیرد. بازی‌های گروهی به کودک می‌آموزد که باید در برابر کمک دیگران پاسخگو باشد و محبت آنان را، به هر وسیله ممکن، قدرشناسد. از سوی دیگر، کودک از طریق بازی‌های گروهی، بردباری به هنگام شکست و خشنودی و فروتنی هنگام پیروزی را فرا می‌گیرد.

نقش‌های متفاوتی که کودک در بازی‌های گوناگون بر عهده می‌گیرد، وی را یاری می‌دهد تا به تدریج مناسب‌ترین نقش را برای ایجاد مطلوب‌ترین رابطه با دیگران بیابد.





کودک در نتیجه بازی با اسباب‌بازی‌ها، شکل، رنگ و حجم اشیاء را درک کرده، از طریق بازی‌ها و ورزش‌های مختلف، مهارت‌های گوناگون و مهمی را کسب می‌کند. بازی، کودک را با قابلیت‌هایش آشنا می‌سازد و این امر یاری دهنده وی در ایجاد تصویری از خویشتن است.

کودک در زندگی روزمره باید بتواند خود را از نگرانی‌ها و ناراحتی‌های ناشی از فشارهای محیط رها سازد. بازی، با فرصتی که برای بروز و بیان عواطف فراهم می‌کند، نقش پالاینده روانی برای وی دارد. بسیاری از تمایلات و نیازهایی که در زندگی روزمره کودک بر آورده نمی‌شود، در بازی ارضا شده، بدین ترتیب، از شدت ناکامیهای وی کاسته می‌شود.

بازی عرصه‌ای است برای آزمون درستی و سودمندی نقشه‌هایی که کودک برای حل مشکلات زندگی خود طرح کرده است. با توجه کردن به بازی‌های کودکان می‌توان اطلاعاتی از آنان به دست آورد که با شیوه‌های دیگر ناممکن است. برای نمونه، با دریافتن ایجاد رابطه کودک با دیگر کودکان، می‌توان به تصویری که وی از خویشتن دارد، پی برد. بازی از بهترین عوامل پرورش اخلاقی کودک است. گرچه محیط خانه و مدرسه ارزشهای اخلاقی مورد پسند اجتماع را به کودک می‌آموزد، ولی این ارزش‌ها در بازی است که حقیقت می‌یابد و برای کودک مفهوم می‌گردند و تنها در این صورت است که وی خود را ملزم به رعایت آنها می‌داند.

کودک به خوبی می‌داند چنانچه خطایی از او سرزند، همبازیان، بسیار سختگیرتر و بی‌گذشت‌تر از بزرگسالان هستند. از این‌رو، می‌توان گفت کودک در بازی، بهتر از هر موقعیت دیگر، رعایت مقررات و موازین سلوک گروهی را فرا می‌گیرد و صداقت و راستی از خود نشان می‌دهد. (احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۸۰: ۲۶۲)

از راه بازی، مادر می‌تواند به اصلاح کودک بپردازد، نقایصی که در زندگی او است از میان بردارد و به شیوه صحیح در اخلاق کودک تأثیر بگذارد و حقایق اسرارآمیز زندگی را برای او روشن کند و او را قادر به مشاهده، مقایسه و تشخیص نماید.

در بازی کودک در می‌یابد که چه اصول بر جامعه حاکم است، چه اموری را باید انجام دهد و از انجام چه امری باید خودداری کند. همچنین در می‌یابد چه مشاغل و مسئولیت‌هایی در جامعه وجود دارد. معنی قدرت و ضعف چیست؛ پدر، مادر بودن یعنی چه؛ شکست و موفقیت چیست و... و این برای جهت دادن افکار و اندیشه‌های نارس کودک بسیار ضروری است.

بازی می‌تواند باعث ایجاد حرکت، به کار انداختن قوای عقلانی و زمینه و موجبی برای حل مسائل کودک باشد. به این دلیل مادر باید بازی‌ها را جهت دهد و نوع آن را برای کودک انتخاب کند. کودک ساعت‌ها بازی می‌کند و یا با اسباب بازی سرگرم است، نتیجه این وقتگذاری، باید فراگیری انضباط، مقررات، آشنایی با جهان خارج، افزودن تجارب شخصی باشد و همه این‌ها بستگی به نوع بازی‌ها دارد.

نکته مهمی که در بازی قابل ذکر است این است که، بازی برای کودک ضروری است، ولی نباید به اندازه‌ای باشد که به صورت عشق به آن درآید و تمام زندگی و فعالیت کودک را تحت تأثیر قرار دهد، زیرا چنین وضعی برای طفل خطرناک است. بازی نباید زندگی روحی کودک را کاملاً به خود جذب کند، چون او عادت به کار را هم برای گذراندن زندگی فردی و جمعی لازم دارد و آن جنبه هم به موازات این زمینه باید در طفل رشد کند.

نتیجه:

اگر چه پدر و مادر هر کدام به نوبه خود تأثیر خاص در تربیت صحیح فرزندان دارند، اما در این میان نقش مادر پررنگ‌تر است، چرا که بیش از پدر مرتبط با فرزند بوده و آنچه که باید بیش از پیش مد نظر قرار گیرد اخلاق و رفتار مادر است، چرا که کودک در رفتار، او را شاهد و نمونه قرار داده و مفاهیم مذهبی و اخلاقی را از او می‌گیرد. البته توجه به مسائلی از قبیل دوران بارداری و شیردهی مادر و همچنین تغذیه حلال و مناسب مادر و فرزندش مهم بوده و



مادران باید بدانند که آغاز تربیت فرزند بسیار پیش‌تر از ازدواج و دوران بارداری است. بنابراین میزان تأثیر مادر در تربیت صحیح دینی و معنوی فرزند و راهکارهای تربیت معنوی باید مد نظر قرار گیرد. مادر نخستین کسی است که بذر تربیت را در جان و روان کودک می‌پاشد و نهال آن را آبیاری می‌کند، طرز فکر و رفتار او در سازندگی کودکان موثر است و اوست که می‌تواند کودکان را بر اساس مبادی آداب اسلامی پروراند و تربیت کند. با مراجعه به متون دینی معلوم گردید که اسلام به ابعاد گوناگونی از جهاد تربیت نظر داشته و جهات نظیر روح و روان کودک، بعد جسمانی و تغذیه کودک، پرورش صفات مطلوب در کودک، جهت دادن و فکر کودک و... مورد توجه و تأکید قرار داده است. البته خود مربی یعنی مادر قبل از تربیت کودک، باید حائز شرایط نظیر آگاهی و اطلاع، خودسازی و خود ارزیابی، داشتن جهان بینی وسیع، جنبه الگویی، صبر، حوصله و اقتدار بوده باشد. با بررسی آیات و روایات به عنوان منابع استخراج احکام فقهی روشن شد که مادر حداقل در چند مورد وظایفی در تربیت دینی فرزند دارد.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلامی الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، محقق/ مصحح: جمال الدین میر دامادی، بیروت: دار صادر.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم و الدار الشامیة.

۴. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳)، فقه تربیتی، ج ۱، تحقیق و نگارش: سید نقی موسوی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۰)، چستی تربیت دینی، تهران، مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
۶. دهخدا علی اکبر (۱۳۴۲)، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۷. امینی، ابراهیم (۱۳۹۶)، اسلام و تعلیم و تربیت، انجمن اولیاء و مربیان زبان.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۹۵)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث.
۹. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۶۹)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (جلد ۱۵)، قم: آل البيت علیهم السلام.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، زن در آینه جمال و جلال، قم: اسراء.
۱۱. بنجامین مک لین اسپاک (۱۳۸۳)، تغذیه، تربیت و نگهداری کودک، مترجم: احمد میرعابدینی تهران: چکامه.
۱۲. الکلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، فروع کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه/
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۴)، وسائل الشیعه و مستدرکها (جلد ۲۱)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۸۷)، من لایحضره الفقیه، مصحح: سید حسن موسوی خراسانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. محمودی الیگودرزی، امیر ملک (۱۳۹۰)، راهنمای خانواده: راز شاد زیستن و خوشبختی در کانون گرم خانواده، قم: منشور وحی.
۱۶. جوکار، محبوبه (۱۳۹۱)، «مادر و تربیت دینی فرزند»، نشریه مبلغان، ش ۱۶۲.

۱۷. حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۳)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۸۶)، بحارالانوار، تهران: اسلامیه.
۱۹. شامیاتی، هوشنگ (۱۳۷۶)، بزهکاری اطفال و نوجوانان (با تجدیدنظر و اضافات).
۲۰. ادیب، علی محمد حسین (۱۳۶۲)، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام، ترجمه رادمنش، تهران: مؤسسه انجام کتاب.
۲۱. سادات، محمد علی (۱۳۹۰)، رفتار والدین با فرزندان، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۲۲. حسن احدی و شکوه السات بنی جمالی (۱۳۸۰)، روانشناسی رشد، تهران: انتشارات پردیس.
۲۳. برجی نژاد، زینب (۱۳۸۹)، «نقش مادر در تربیت فرزند»، نشریه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، ش ۶.

